



بهیمنیت انسان هرچه قویتر شود تنزل می‌کند تا آنجا که از همه بهیمنه‌ها کمتر می‌شود بهیمنه‌داری اوصافی است یکی از اوصاف بهائم که مهمترین وصف بهیمنه است و از عبارت بهیمنه روشن است نقص فکری و عدم تنبه اوست عدم توجه اوست غفلت بهیمنه است.

و بهیمنه الغافلله اما یراد بها.

نمی‌فهمد که برای چه آتش می‌دهند و غلغش می‌دهند و خدمتش می‌کنند و نمی‌فهمد چرا در یک چراگاه بسیار خوش نگه اش داشته‌اند این جنبه غفلت بهیمنه اگر در انسان پیدا بشود بسیار زشت است و انسان را، انسانی منحط می‌کند انسان باید متفکر باشد، متنبه باشد، تعقل پیدا کند.

«افلا يتعقلون»

ای انسانها چرا تعقل ندارید و تفکر، افلا یتدبرون. افلا یتذکرون. چرا انسانها تذکر ندارند و تنبیه، چرا انسانها تامل ندارند و تدبیر، یکی از بدترین صفتهای انسانی این است که این صفت بهیمنیت را دنبال کند و یکی از بهائم شود، و ولای بر آن انسان که این صفتش تقویت پیدا کند و از آن مراحل تعقل، تدبیر، تفکر که سبب بیداری و سبب حرکت و جنبش و قیام و ترقی و تکامل و تعالی به اوج سعادت رسیدن است غافل بماند این مسئله باید بسیار مورد دقت واقع شود و تدبیر کنیم و تعقل و عقلمان را و خردمان را که مهمترین نعمتی است، پرورده‌کار به ما عنایت داده است منزوی نکنیم تعقل را در گوشه مغز به انزوا نکنیم. خرد را لجام نکنیم در یک طرف بگذاریم و بهیمنیت را تقویت کنیم و این اسکندر ذوالقرنین است که جمله‌ای را دارد «ان السلطان العقل علی باطن العاقل اشد

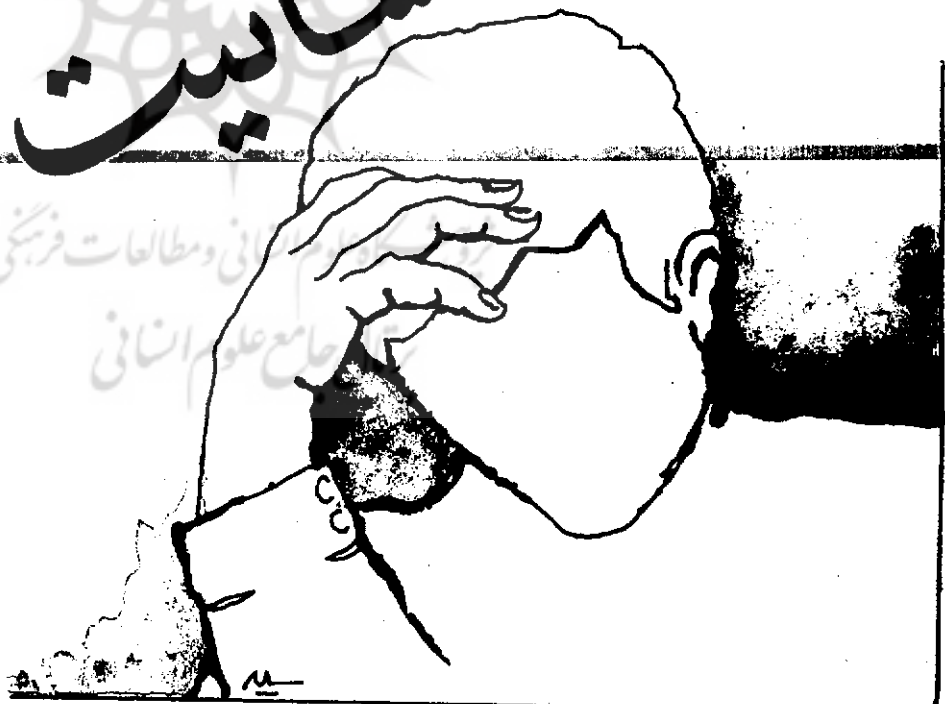
من سلطان السیف علی ظاهر احمد» سلطان و تسلط و سلطه عقل بر باطن عاقل از یک شمشیری بر سر انسان نادان و ترسو شدیدتر است و باید عقل انسان آنچنان قوای شهوانی و بهیمی را کنترل کند و قبضه کند و زیر نظر بگیرد که نتواند بسوی بهیمنیت برود و «ما به الامتیاز» و انسان بهیمنه همین است عقلمان به پیکرتان حکومت کند عقلمان بر هواها حاکم باشد عقلمان و خردتان بر شهوات حاکم باشد و همه اینها زیر حکومت عقل حرکت کند و به دستور عقل حرکت کند حرکاتشان هم عبادت خواهد شد در روایت دارد.

«ان اهل الجنة.. لا یتحصرون بشی فاتح من امر الدنیا کتحصروهم علی زمان غفلا تهم» بهشتیان در بهترین و مساعدترین وقت و هوا

نقص فکری خبر می‌آید انسانیت

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه و افضل بریته حبیبنا و طیبینا و مولانا ابوالقاسم محمد (ص) و علی آله الطیبین الطاهرین واللحن علی اعدائهم اجمعین. اللهم اصلح لی دینی وانه عصمت امری واصلح لی آخرتی فانها دار مقری و الیها من مجاورة اللثام مقری و اجعل اللحیوه زیادة لی فی کل خیر و الوفاة راحة لی من کل شر.

قبلا معروض شد که انسان دارای ابعاد چهارگانه است یکی از ابعاد انسان که با برخی از حیوانات شرکت دارد بعد بهیمنیت انسان است. انسان جنبه بهیمنیت دارد انسان از مصادیق بهیمنه‌هاست از افراد بهائم است چنانچه از مصادیق و افراد فرشتگان است و چنانچه گاهی از افراد شیطانهاست جنبه





و مکان زندگی می کنند و هیچ برای آنها هیچ «لا یصیبهم ضرب ولا ضمع» برای آنها هیچ ناراحتی نیست جز یک ناراحتی وحسرت که از روایات استفاده می شود و آن ناراحتی آنها است که چرا من در دنیا و قتم را هدر دادم و لوقاتی را به غفلت گذراندم و اهل بهشت از همه چیز اگر بگذریم به یک نقطه حسرت میخورند و آن حسرت اوقاتی است که در دنیا به غفلت بگذرانند حسرت ساعتی است که در دنیا از آن ساعت استفاده نکرده اند آری امام صادق فرمود:

«المومن اشح علی وقته من در همه و دیناره» مومن از طلای خود می گذرد از نقره اش می گذرد و از همه مالش هم حاضر است بگذرد و برود اما مومن به وقتش ارزش بیشتر قائل است از وقتش نمی گذرد و نمی گذارد وقتش یا غفلت از بین برود و بهیچیت به او غالب باشد پس یکی از بدترین صفتهای انسانی دنبال کردن صفت غفلت است که از صفات بهیچیت است.

«البهیچیت هی حیوان لایمیز و حیوان غافل» بهیچ عیارت از حیوانی است که توجه ندارد گاهی از مقابل یک مغازه ای شما می گذرید مغازه مرغ فروشی مرغ می بزد در یک طرف مرغهای کشته و پرکنده را جمع کرده در طرف دیگر سیخ برقی گذاشته شده است در یک طرفش هم مرغهای زنده در آنجا مشغولند از آن مرغهای پرکنده در آن سیخ برقی قرار می دهند و می بزد و مقابل آتش بریان می شود و به مشتریها می فروشد و آن مرغهای زنده دیگر این منظره را می بینند اما مشغول خوردن دانه اند و مشغول حرکتند و مشغول حال خودشان هستند و این انسان است گاهی مناظر طبیعی دنیا، در انسان اثر نمی کند و از بهیچ پائین تر است او طبیعتا توجه ندارد او درست متوجه نیست به او عیبی نیست به آن مرغها نمی شود توییح کرد و ملامت، ای بیچاره ها چه نشستید که یک دقیقه دیگر هم سرشان را می برند و آنچنان مقابل آتش بریان می کنند اما به انسان خواهند گفت ای انسانها تو دینی.

«حکفی واعظا به موتی عایتوموم حلوا الی قیورم غیر راکبین» آیا دیدید مرده ها را که چگونه پساهایشان را کنند و در میان کفن گذاشتند انسان باید متنبه باشد متوجه.

«عن الحسن (ع) لاعیاد یا لتفکر فی صنعت الله» هیچ عبادتی بالاتر از تنبه نیست هیچ عبادتی بالاتر از تفکر نیست که انسان را یکدفعه بیدار می کند و بسا می شود این که در روایت می بینید که «التفکر یا تفکر ساعة خیر من عیادة سبعین»

سنه» یک انسانی یک ساعت بنشیند و تفکر کند و تنبه پیدا کند و فکر کند از نماز و روزه ۷۰ سال گاهی برتری پیدا می کند تفکر کوچک کردن ساعت، تنبه کوچک شدن، این معنا انسان را بیدار می کند و زنده می کند و در روایات راجع به این موضوع روایات زیادی وارد شده است و این مادر حضرت سلیمان است که به وی می گوید: «یا نبی ایاک و کثرة النوم فی اللیل فان کتبوه. النوم فی اللیل یدعو الرجل فقیر یوم القیمه»

فرزند سلیمان ای انسان عظیم الشان ای ملک بزرگ ای انسان دارای جنبه های مختلف مادی و معنوی.

«ایاک و کثرة النوم باللیل» نکند شبها از اول تا آخر بگیری بخواهی فرزندی من وصیت می کنم «کثره نوم» و زیاد خوابیدن روز قیامت فقیر می کند و بدترین فقرها فقر عملیست بدترین فقرها فقر اعتقادیست بدترین فقرها فقر عبادتیست این جمله را پیامبر گرامی هم در سخنانش فرمودند که مادر سلیمان می گوید اما به یک تعبیر بالاتری مطلق تری نبی گرامی فرمود:

«ایاک و کثرة النوم» خواب شب را نمی گوید «رجله» را نمی گوید مطلقا ایاک و کثره النوم ای انسان خودت را از غفلت و خواب غفلت دور کن و مانند حیوانات در خواب فرو نرو «ان اکثره النوم یدعو الانسان فقیرا یوم

القیمه» زیرا که غفلتها انسان را فقیر می کند و انسانها در عالم دیگر لفتخارشان با ثروشان انسان ثروتمند در آنجا و الاثرین انسانهاست و ثروت آنجا هم ثروت عبادت است نه ثروت آنجا ثروت خلوصه ثروت آنجا علم ثروت عمل پاکیزه است ثروت آنجا پریشانی نامه حسنا و خالی بودن نامه سینات سه نامه بدستشان می دند.

«الدوایین ثلاثه» در یک روایتی می خوانم سه نامه بدست انسان آنجا خواهند داد یک نامه «الدوایین ثلاثه دیوان الحسنات دیوان السینات دیوان النعم» یک دفتر بزرگ در دست آقایست دفتر کارهای نیکش هست از عقاید و اعمال درس نگاهشته شده دفتر دیگر دفتر گناهانش است دفتر دیگر دفتر نعمتها اما بقدری این دفترها با هم اختلاف دارد یکی دفتر حسناتش می آورند و دو تا ورقه سه تا سطر نوش نوشته شده و بعد دفتر سیناتش روی هم انباشته شده یک کامیون دفتر نامه های زشت و کارهای زشت این انسانی آمده است برخی دفتر حسناتش زیاده بدستش می گیرد. بدینا خطاب می کند آنجا زبان آزاده، در یک وقت زبانها بسته شده در یک ساعت. «لا یتکلمون الا من اذن له الرحمان و قال ثوابا»

اما گاهی می گویند بگویند داد بزنید مطلبتان را به جهان بگویند یک وقتی می بینید یکی از جا برخاسته دفترش را بدست گرفته می که ای جهانیان، بقیه در صفحه ۶۰

✱ امام علی می فرماید:
ارزشمندترین انسان آن انسانی است که این جهان در نزد او ارزش نداشته باشد

✱ جنبه بهیچیت انسان هرچه قویتر شود، تنزل می کند تا آنجا که از همه بهیچها کمتر می شود

✱ انسان باید متفکر باشد، متنبه باشد، تعقل پیدا کند «افلا یتعقلون» ای انسان چرا تعقل ندارید و تفکر؟!

✱ انسان اگر از تفکر که سبب بیداری و سبب حرکت و جنبش و قیام و ترقی و تکامل و تعالی و به اوج سعادت رسیدن است غافل بماند به بهیچیت تنزل می کند.

تفکر، خمیرمایه

ای مردم بیانید، بیانید و بخوانید.
«هاتم اقرء و کتابیه، انی ظننت انی ملاق حسابیه»

من گمان می کردم حساب مشکله، حساب سخته، این یک دیوانه آن هم یک دیوانه اینجا نکته ای بحضور دوستان عرضه بدارم. خدا می فرماید تر از تو بیارید سنجش بیارید ابتدا نامه حسانتش را یا نامه سختیها بسنجید بنده من چند تا عمل بجا آوردی؟ خدا هزارها سجده کردم، هزارها رکوع انجام دادم، کارهای اخلاصی زیاد دارم در جبهه ها جنگیدم کارهای مختلف بنده من بگذار حسابش کنم یک میلیون، دو میلیون بگذرنامه عمل در ۶۰ سال، ۷۰ سال همه را حساب کردم. من نمی دانم حسابها چه جور است کامپیوتر می آورند؟ علم ازلی کفایت می کند؟ نوشته ها را حساب کرده اند؟ همه اش را که است حساب کرده اند اینقدر نامه حسانتش است می فرماید خدولود بیلورید نعمتهائی هم که باو داده داده ام مقابل این حسنت آنها را از حسانتش در کنید آنها را هم من داده ام اینهمه نعمت که من داده ام می تواند، یک حسنه مقابلش یک سختی حسنت را در می کند نعمتها را از حسنت گاهی حسانتش تمام می شود نعمتها باز اضافه می ماند میفرماید: این اعمال خیر تو، اینهم نعمتهای که من بتو داده ام دیگر از من که طلب نداری؟ پس بیا برای هرگناهت اقلا یک شلاق بخور گناهات مانده است بیا برای گناهانت کیفر ببین.

«و اعوذ بک یارب من نارحرا لایظفی»

علی (ع) اشک می ریزد و به من و شما می گوید:

«ایها الناس اتقوا ناراً حرها شدید و قعرها بعید و لباسها حدید و شرابها شدید»

مردم بترسید، از آتشی که در آنجا قعرش بعید است و خیلی حفره های او گود است و لباسی که می پوشانند از آهن داغ شده است بترسید از اینها از غفلت انسان متنبه باش انسان بخدایت سوگند ترا امروز برای آزمایش آورده اند فردا باید امتحانها را پس بدهی فرزند من مخواب.

«ان الصادق (ع) انی ابغض الرجل و یکون فی اللیل جیفه و فی النهار بطلا»

من بغض و کینه دارم به آن انسانیکه شب مردار و روزها بی کار است. شب افتاده و خوابیده روز عمل خیری از او در نامه حسنت او نوشته نمی شود.

* توحید آنست که در انسان

تغییر رویه دهد، تغییر اندیشه دهد، تغییر اخلاق و عمل دهد لباسهای نو و سلطنتی کنده شود، لباس روستایی کهنه به تن شود

«ان النبی اغفل الناس من لم یتغظ بتغییر الدنیا»

پیامبر اسلام می گوید غافلترین مردم را به شما بگویم؟ انسانی است که از تبدل و تکفیر و دگرگون شدن این دنیا متعظ نشود «موعظه نگیرد از تغییر و تبدل دنیا» انسانی است که دنیا او را به حرکت نیاورد و بیدارش نکند یک گروهی بنام اصحاب کهف خدا از اینها چه تجلی کرد! نماز خواندند روزه نگرفتند باور کنید شاید در عمرشان یکبار هم موفق به خواندن نماز هم نشده اند شاید این نماز هم در آن عصر نبود به اندازه یک ساعت و ۲ ساعت و ۳ ساعت اینان آنچنان منقلب شدند و از آنحالت، دقیانوس پرستی و انسان پرستی و فحشا و منکر با یک حرکت و جهش «بارک الله» بتو ای انسان عجب موجودی هستی. ناگهان از بهمیت به سوی فرشته شدن، ناگهان از انحطاط اینهمه ترقی، این از ویژه گیهای تو انسان است که می توانی در عرض چندین دقیقه و ساعت از زمین تا آسمان پرواز کنی فقط این مال پیغمبر گرامی نیست.

«سبحان الذی اسری بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی»

بزرگ و باکیزه و عاری از نقص است آن خدا که پیامبرش را و بنده اش را از کجا تا کجا حرکت داد، تو معراج داری تو حرکت داری ناگهان معراج میکنی، سه نفر در طرف راست دقیانوس نشسته اند سه نفر در طرف چپ نشسته اند وزراء درجه یک کلورند مشغول عیش و نوشند. جام شرابها غذاها و میوه ها و رقاصها و نوازنده ها و رامشگران مشغول عیش و نوشند ناگهان بطریقی بیخ گوش دقیانوس سخنی گفت رنگش پرید جام شراب از دستش افتاد، تاج از سرش افتاد ناگهان رنگش تغییر کرد چه گفت: گفت ای سلطان چه نشسته ای که کشور فارس حمله کرده و اینک ما در محاصره ایم اگر حرکت کردی جنیبی والا نابودیم ناگهان چنین تغییر وضع داد این ۶ نفر از جا برخاستند زمینه در مجلسی نشستند یکی از آنان بنام تملیخا گفت دوستان اجازه می دهید مطلبی را مطرح کنم به شرط اینکه بکسی نگویید.

اگر این مدعی الوهیت است اگر این واقعا خداست از آن حال نشسته بحال دگرگونی افتاده آیا می شود خدا باشد تملیخا می گوید: دوستان من بشد مطلبی را می گویم، من برگشتم من معتقد به الله «ندم این آسمانها و این زمین و این جهان شناور و این ثوابت و سیارات موجودی را هست که خالق اینهاست آری! قربان آن پیرزنی که پیامبر می فرماید علیکم بدین العجائز... تملیخا به دین این عجزه برگشت گفت ای پیغمبر گرامی

البعرة تدلی علی البعیر

پیرزن مدرک تو برای اثبات اینکه این جهان پهناور خدائی دارد چیست؟

البعرة تدلی علی البعیر و اثر.. الاقدام تدل علی المسیر اقسما ذات ابراج و ظلم ذات ارتداج لاتدل علی اللطیف الخبیر...

پیامبر بزرگ بعره و بشکل یک حیوانی در صحرا شاهد است که شتر عبور کرده است و اثر پای انسانی روی رمل و برف شاهد است که انسانی از اینجا گذشته است آیا این عالم پهناور این نظم عجیب جهان این حرکت سیارات این سکون ثوابت این جهان بر عظمت آیا بمن نمی گوید که من صانعی دارم من در برابرش خاضع تملیخا گفت دوستان خدائی هست و من حرکت کردم و رفتم توحید را گرفتند و توحید در روح آنها وارد شد اما چه برودی، اگر توحید را می پذیرفتند و فردا دوباره در زمین و بیابان، دقیانوس مشغول خوردن شراب بود، توحید آنها توحید نبود توحید آنست که در انسان تغییر رویه دهد تغییر اندیشه دهد تغییر اخلاق و عمل دهد لباسهای نو و سلطنتی کنده شود لباس روستایی کهنه در اینها وارد شد کفشیهای اعلا از با کنده شد و پا پیاده به رله افتاده مسکنهای عالی ماند، در غارها به سکونت نشستند بهترین غذاها را ترک کردند و به علفهای بیابانی قناعت کردند کارشان به جانی رسید که خدا به پیامبرش می فرماید پیغمبر لواطلت علیهم

لولیت منهم فرار و لملت منهم رعبا

پیامبر آنان

انهم فقیه آمنوا برهم بارک الله

... در عرض چند دقیقه طول کشید «انهم فقیه» اینها جوانمرد شدند اینها روح ایمان پیدا کردند آن کدام کیمیا است که در این مس بدلهای روانها وارد می شود و برمی گرداند او را طلا می کند می گویند کیمیا هست گرچه در علم امروز نفی می کنند می گویند معقول نیست تغییر ماهیت، مس برگردد و بقیه در صفحه ۶۱

جهاد

«سلام می حتی مطلع الفجر» آن نفس وروح منفس درآیندی است هیچ آفت نخواهد دید تا سیرش

انسان در این عالم باید خود را از آفات تا دم مرگ ایمن بدارد. مهم اینست که انسان خود را

۲- ایمنی است تا طلوع فجر از نظر زمان امتیازی که این زمان گرفته از چه

تفکر، خمیرمایه

طلبا بشود اما در قدیم معروف بود، گردی است درست می کنند شرائطی دارد دقتهایی دارد پس از درست شدن این خاصیت را دارد همس را بگذارند روی آتش و سرخ شود و از آن گرد دوش پیاپی بگذارند خنک بشود طلای خالص می شود یک چنین موجودی را بنام کیمیا می نامند اگر هست نمی دانم و اگر نیست مثال است و آن کیمیا توحید است که در روح انسانی وارد بشود این انسان را بر می گرداند یک وحشی از دنیا و عقوبت خیر ندارد پس از مدتی بر می گردد و ابانتر زمان می شود سلمان ثوران می شود این توحید است که در روح انسانی وارد شود نتیجه این است که باید در یک مدت کوتاهی به تفکر بنشیند و از این جهل و نادانی و فقر فکری برون بیاید جمله ای را از علی (ع) نقل می کنم ای مولای ما ای کسیکه سخنان از همه سخنها پرارزش تر است.

«والله ان فی اطراف الدنيا مومنین»

شما را می گوید ای پیرو دانی شما را می گوید ای بی تردید شما هستید به حقیقت ... که در اطراف دنیا از مومنی اطلاع دارم تمام دنیا را یک حلقه طلا کنند تمام دنیا را یک سکه طلا کنند و از گردن آنان بیاویزند و بیفتند و گم شود متاثر نمی شوند چرا پیش آنها ارزش ندارد، ارزش مال کی است؟ فرمود: ارزشمندترین انسان آن انسانی است که این جهان در نزد او ارزشی نداشته باشد.

قیمت های نفت

نفت تقریباً با حداکثر ظرفیت تولید از منابع نفتی بهره برداری میکرده اند افزایش امکانات افزایش تولید از کشورهای غیر عضو اوپک در آینده تا حدود زیادی محدود است.

قیمتهای نفت خام در طی باقیمانده سال مسیحی ۱۹۸۲

طی محاسبات کمیسیون اقتصادی اوپک تقاضای برای نفت خام اوپک طی سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۹۸۲ به نحو قابل توجهی افزایش خواهد یافت و اگر تقاضای نفت خام در سه ماهه دوم برای نفت خام اوپک حدود ۱۷ میلیون بشکه در روز بود، در سه ماهه سوم به متجاوز از ۱۹ میلیون بشکه در روز و در سه ماهه چهارم به بیش از ۲۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و با ازدیاد تقاضا قیمت های نفت خام نیز رو به افزایش خواهد گذاشت.

ضرورت کارهای

مردم تسلط پیدا کند و به افراد بگوید که تا اینجا فکر کن و از اینجا به بعد را فکر نکن، چون ممکن است مخالف اندیشه های ما از آب در بیاید این کارها را که نمی شود کرد. بالاخره فکر جوانه می زند در افغان می روید پخش میشود اینها چیزهایی است که در بیشتر جوامع هم این ها وجود دارد. آنچه که ما باید بکنیم این هست که مایک جریان زلال پاک و قوی را در این جامعه جاری کنیم این هست که اگر چنین جو بیار و جو بیارهای آلوده و ناپاکی این طرف و آن طرف هم پیدایمی شود در واقع اینها تنها هیچ ضرری نرساند بلکه به حجم این جو بیار پاک مادم افزوده بکند یعنی مانده تنها از اندیشه های ناپاک ضرر نبینیم بلکه به قوت اندیشه های خودمان هم بیافزاید چه جوری؟ از این طریق که وقتی که ما با یک اندیشه مخالف خودمان روبرو می شویم، این جریان قوی و پاک اینطرف به نحوی باشد که از آنها کسب قوت بکنیم شمامی دانید که بالاخره هر پهلوانی، پهلوان بودنش وقتی حفظ می شود که با حریف و با رقیب روبرو بشود هر چند وقتی کشتی بگیرد. اگر همه رقیبها را ما بیرون کنیم آن موقع این باطل است که ما بگوئیم مالولین پهلوان هستیم در این جهان بله وقتی رقیب نبود همه کس می تواند لاف قهرمانی بزند. اما فقط در میدان مبارزه و معارضه با رقیب است که، «آنکه شود بدید که نامرد و مرد کیست همان جا معلوم می شود، از این لحاظ بودن رقیب در جامعه نه تنها از قوت مانمی کاهد بلکه بر او خواهد افزود قهرمانی آنرا بیشتر تثبیت خواهد کرد. همین اینها بشرط این است که از این طرف جریان اجتهاد به معنای دقیق و صحیح کلمه وجود داشته باشد و با توانایی کامل هم هویت مکتب را حفظ کند و هم توانایی آن را و هم پاسخ مشکلات را از آن بیرون بیاورد و در عین حال در مقام معارضه و مبارزه هم تفوق خود را به رقیب نشان بدهد.

ادامه دارد

توزیع سم

۳- با کلاسها و سمینارها برادران جهادی را در این مورد توجیه کرده بودیم که اهمیت مبارزات غیر شیمیایی را به زارعین متذکر شوند و از سم به عنوان آخرین حربه استفاده کنند که این کار بوسیله بودن شرکتهای وارد کننده و سودجو در پوته فراموشی سپرده شده بود.

۴- موارد مصرف، موارد عدم مصرف و نکات لازم بر روی برچسب سموم نیز رعایت شده بود. بهرحال این طرح در آن سال بمورد اجرا گذاشته شد و در اواخر اسفند سال ۵۹ وزارت کشاورزی نیز واردات سموم را در انحصار دولت قرار داده و توزیع نیز بوسیله کمیته های هماهنگی استان که از سه آرگان فقط با ماست، جهاد سازندگی و تعاونیها بوسیله جهاد با اتحادیه های تعاونی بر اساس اولویت سپرده شد که در این رابطه جهادهای استانها حداقل ۶۰ درصد کل توزیع سموم را در استانهای مختلف بعهده گرفتند.

شکل کار نیز بدین قرار بود که ابتدا کمیته ای تخصصی در مرکز بر اساس زراعت های مختلف و با در نظر گرفتن فاکتورهای سمومی را برای مصرف تجویز کرده و بر اساس میانگین واردات ۳ سال ارقامی نیز بوسیله سازمان حفظ نباتات تهیه و به شرکت پخش کود جهت تهیه و تحویل در تهران ارائه شد. و موقعی که سموم آماده شد کمیته مرکزی در تهران بر اساس فصل مصرف و مقدار تقاضای استانها از طریق ارگان مرکزی توزیع کننده سموم را به استانها ارسال می گردد.

نکته قابل ذکر در این مورد این است که علیرغم بعضی مشکلات و نارسائیهایی که معمول موقعیت خاص مملکت و

توضیح: بقیه مطلب را بعلاوه اشتباه چاپی در صفحه ۴۳ ستون اول از سطر «و حجم بسیار زیاد کار.....» مطالعه بفرمایید. باپوزش از خوانندگان در صورت امکان همین مطلب در شماره آینده بطور صحیح چاپ خواهد رسید.

قیمتهای نفت خام ۱ - نراز مدت

بنظر میرسد در طی خام به قیمت های ثابت رفت علی که باعث می باشد: ۱ - طبق مدلهای مدل اخیر دبیرخانه ا در سطح جهانی در چنانچه قیمت های نفت افزایش باید در سال تکلفوی تقاضا برای سال آینده قیمت های نفت طح ۳۲ دلار بالاتر خواهد سواری است بشرح زیر

۲ - مدل سازمان تحقیقاتی یا (سازمانی که بوسیله کشورهای شرق و غرب تاسیس شده است. پیش بینی که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۰ قیمت نفت به قیمت های ثابت حدود ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت.

با توجه به مطالب مذکور میتوان پیش بینی نمود که قیمت نفت خام بطور متوسط طی ۲۰ سال آینده در صورتیکه کشف عظیمی از نظر تکنولوژی تولید انرژی انجام نشود به قیمت های ثابت در سال ۱۹۹۰ بالغ بر حدود ۵۰ دلار و در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۸۲ دلار خواهد شد. از: امور بین المللی وزارت نفت